خبر

جشنواره فیلم کوتاه تهران برگزیدگانش را شناخت

چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با معرفی برگزیدگان خود در مراسم اختتامیه، به کار خود پایان داد.

در این رویداد که شامگاه جمعه، دوم آبان‌ماه در ایران‌مال برگزار شد، فیلم «معیار» ساخته مارتین سیگر از شیلی، جایزه بزرگ ۲۰۰۰ دلاری بخش بین‌الملل را کسب کرد و مستقیما به آکادمی اسکار معرفی شد. در بخش ملی، فیلم «و زندگی برای همه» به تهیه‌کنندگی محسن اصدق‌پور برنده برگ زرین بهترین فیلم شد. برادران ارک، بهرام و بهمن، برای فیلم «خداحافظ آشغال» جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را از آن خود کردند. این فیلم جوایز بهترین صدا و طراحی صحنه را نیز به‌دست آورد. همچنین فیلم «تایپیست» به کارگردانی هادی نوری با دریافت جایزه بنیاد سینمایی فارابی، برای ساخت نسخه بلند سینمایی مورد حمایت قرار گرفت. جایزه بهترین فیلمنامه به مهرداد جلالی برای «انار» و جایزه ویژه هیأت داوران به فردین انصاری برای فیلم «ذره» اهدا شد. این جشنواره با حضور چهره‌های فرهنگی و هنری و با تجلیل از استعدادهای نو و آثار برجسته سال به پایان رسید.



یادداشت

مهدی توکلیان | کارشناس رسانه و ارتباطات

روابط عمومی در عصر اطلاعات بازتعریف مأموریت گفت‌وگو

در دنیایی که هر فرد یک رسانه است، روابط عمومی‌ها باید از انتقال پیام فراتر روند و گفت‌وگو، اعتماد و درک متقابل را مدیریت کنند. در عصر اطلاعات، سرعت و شفافیت دو عنصر اصلی ارتباطات هستند. روابط عمومی‌ها دیگر سخنگوی سازمان نیستند؛ بلکه گوش و ذهن تحلیلی آن هستند. این یادداشت، نگاهی دارد به ضرورت بازتعریف مأموریت روابط عمومی در جهان دیجیتال.

تحول وسایل ارتباط جمعی، از چاپ تا اینترنت، همواره چهره روابط عمومی را دگرگون کرده است. اما در عصر اطلاعات، این تحول از جنس تغییر ابزار نیست؛ بلکه تغییر نقش است. روابط عمومی دیگر تنها انتقال‌دهنده پیام نیست؛ بلکه باید گوش و چشم سازمان در برابر افکار عمومی باشد. در جهان شبکه‌ای، جایی برای پیام‌های یک‌طرفه باقی نمانده است. مردم می‌پرسند، تحلیل می‌کنند و روایت خود را می‌سازند. اگر سازمانی در این گفت‌وگو غایب باشد، روایتش را دیگران خواهند نوشت. سرمایه اصلی سازمان‌ها دیگر در ساختمان و تجهیزات خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در اعتماد عمومی نهفته است. روابط عمومی مدرن باید با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، داده‌کاوی و شبکه‌های اجتماعی، افکار عمومی را بشناسد و ارتباطی دوسویه بسازد. امروز مأموریت روابط عمومی از «اطلاع‌رسانی» به «مدیریت ارتباطات انسانی» ارتقا یافته است؛ مأموریتی که دانش، اخلاق، سرعت و شفافیت را در کنار هم می‌طلبد. «اعتماد، محصول گفت‌وگوی پیوسته است، نه نتیجه تبلیغ یک‌باره.» در دنیایی که فناوری، انسان را در هر لحظه به انبوهی از اطلاعات متصل می‌کند، تقاضا برای خدمات و ارتباطات الکترونیک روزبه‌روز افزایش می‌یابد اما باید پذیرفت که روابط عمومی‌ها معجزه نمی‌کنند؛ همان‌گونه که گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» اخبار باارزش و تأثیرگذار، از درون سازمان‌هایی منتشر می‌شوند که کارآمد، شفاف و صادق‌اند. در میان سیل اخبار جهانی و داخلی، سواد رسانه‌ای برای مدیران و کارشناسان روابط عمومی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مدیرانی که فهم رسانه‌ای نداشته باشند، اغلب در توهم «بزرگ‌ترین اتفاق جهان در مجموعه خود» گرفتار می‌شوند. برنامه‌ها باید با پیوست اطلاع‌رسانی کارشناسی و استراتژی محتوایی دقیق طراحی شوند، زیرا هیچ موفقیتی بدون استراتژی محتوا پایدار نیست. باور قدیمی که تبلیغات فقط از طریق رسانه‌های سنتی انجام می‌شود، سال‌هاست از میان رفته است. امروز اینفلوئنسرها، فعالان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌دهی افکار عمومی دارند. شبکه‌های اجتماعی با بیش از ۱/۵ میلیارد کاربر، به ابزار مرکزی ارتباطات تبدیل شده‌اند. بازاریابی رسانه‌های اجتماعی دیگر تاکتیکی موقت نیست بلکه بخشی از استراتژی کلان ارتباطی سازمان‌هاست؛ ابزاری مؤثر برای جلب توجه، تعامل و تبدیل مخاطب به حامی. در جهان هوشمند، روابط عمومی‌هایی موفق خواهند بود که چابک، یادگیرنده و تحلیلگر باشند. آینده از آن سازمان‌هایی است که ارتباطات را نه یک وظیفه اداری، بلکه فرآیندی راهبردی می‌دانند. روابط عمومی باید در مرکز تصمیم‌گیری سازمان بنشیند و به مدیران بیاموزد که شنیدن، بخشی از گفت‌وگوست و گفت‌وگو، مسیر اعتمادسازی است. بازگشت به جوهر ارتباط از طبل و دود تا اینترنت و هوش مصنوعی، ابزارها تغییر کرده‌اند اما هدف یکی مانده است: درک متقابل. در عصر اطلاعات، روابط عمومی باید این جوهره را دوباره احیا کند، با گفت‌وگو، شفافیت و احترام به مخاطب. سازمان‌هایی که چنین کنند، نه فقط شنیده می‌شوند بلکه باور می‌شوند.



رد پای دفاع ۱۲ روزه در تراژدی جنگ

لوریس چکناواریان معتقد است با ساخت سوئیت سمفونی «تختی» دین خود را به این قهرمان ملی ادا کرده است



آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

لوریس چکناواریان یکی از موسیقیدانان پیشکسوت معاصر است که مخاطبان موسیقی ارکسترال و کلاسیک، او را با آثار جاودانه‌اش به‌یاد می‌آورند. او که به‌تازگی پا به ۸۸ سالگی گذاشته است، درکارنامه موسیقایی خود خلق بیش از ۷۵ اثر در قالب‌های سمفونی، اپرا، موسیقی مجلسی، کنسرتو برای پیانو، ویلون، گیتار، ویولنسل، موسیقی باله، آثاری برای گروه کر، موسیقی فیلم و.... را ثبت کرده است. «تراژدی جنگ» اما تازه‌ترین اثر این هنرمند بزرگ به‌شمار می‌رود که طی ماه‌های اخیر با الهام از جنگ ۱۲روزه ساخته شده است. آنچه درپی می‌آید، حاصل گفت‌وگوی ما با او درباره ساخت این اثر و دیگر کارهایش است.

بهانه ما برای انجام این گفت‌وگو به خلق تازه‌ترین اثرتان با عنوان «تراژدی جنگ» برمی‌گردد، اصولا جنگی که طی ماه‌های اخیر به کشور ما تحمیل شد چقدر روی شما تاثیر گذاشت که به سمت ساخت این اثر رفتید؟

مهم‌ترین ویژگی این قطعه از نظر خودم این است که در نکوهش جنگ ساخته شده، منظورم هر جنگی است که روی کره زمین رخ می‌دهد، نه‌فقط جنگ ایران و اسرائیل. همیشه بر این باور بوده‌ام، جنگ زمانی شکل می‌گیرد که انسان از دو چیز در زندگی خود غافل شود، یکی خداوند و دیگری عشق؛ دورماندن از این دو نیرو، نقشی کلیدی در بروز جنگ‌های سراسر دنیا داشته است. اگر به تاریخچه جنگ‌های دنیا از گذشته تاامروز نگاه کنید، می‌بینید همین‌طور بوده است اما مساله این است که تمام جنگ‌های جهان، بی‌نتیجه و بیهوده بوده، چراکه در نهایت، هر دو طرف با یکدیگر به سازش و آشتی می‌رسند و در این بین، این مردم بیگناه هستند که قربانی می‌شوند. در طول جنگ من در ایران بودم و از طریق اخباری که دنبال می‌کردم، به‌قدری تحت‌تاثیر قرارگرفتم که تصمیم گرفتم این قطعه را بنویسم.

> **جنگ زمانی شکل می‌گیرد که انسان از دو چیز در زندگی خود غافل شود، یکی خداوند و دیگری عشق؛ دورماندن از این دو نیرو، نقشی کلیدی در بروز جنگ‌های سراسر دنیا داشته است**

شما در سال‌های اخیر درکنار ساخت دیگر آثارتان، به نگارش سمفونی «تختی» و اپرای «صادق هدایت» هم پرداختید؛ باوجود آن‌که چندین‌سال از پایان نگارش سمفونی تختی می‌گذرد، بالاخره سرنوشت اجرای این آثار به خصوص سمفونی تختی به کجا می‌رسد؟

همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید هردوی این آثار سال‌هاست که آماده است و فقط می‌بایست شرایطی فراهم شود تا مجال اجرا پیدا کند. مدت زیادی از ساخت سوئیت سمفونی «تختی» می‌گذرد ولی هنوز اسپانسری پیدا نکرده‌ام تا بتوانم این دو اثر را اجرا کنم. البته بنا دارم در ماه‌های آتی، این سمفونی را در لندن ضبط کنم.

اصلا چه ویژگی‌هایی را در جهان پهلوان تختی دیدید که احساس کردید باید به ساخت چنین اثر ارزشمندی درباره این قهرمان بپردازید؟

زنده‌یاد تختی از ورزشکاران بنام زمان ما بود و نه فقط برای نسل من که به‌نظرم برای تمام نسل‌ها، شخصیتی الهام‌بخش بوده است. کمااین که نسل جوان امروز هم دلش می‌خواهد او را بشناسد و درباره‌اش بیشتر بداند. از دوران جوانی دلم می‌خواست اثری درباره او بنویسم که درنهایت این سوئیت سمفونی شکل گرفت. باوجود آن‌که این‌کار هنوز اجرا نشده اما خوشحالم که چنین سمفونی‌ای را نوشتم، چراکه احساس می‌کنم با این کار دین خود را به این اسطوره ملی ادا کرده‌ام.

خاطرم هست یک‌بار درگفت‌وگویی که باهم داشتیم به این مساله اشاره کردید که این سمفونی به‌دلیل مولفه‌هایی که دارد، برای اجرا با همراهی ارکستر بزرگ مناسب است؛ بااین حال می‌توان امیدوار بود که در آینده نزدیک اجرای این سمفونی با همراهی ارکسترسمفونیک تهران ممکن می‌شود؟

این سمفونی دارای ۱۵ موومان برای ارکستر بزرگ است که گروه کر هم درکنار آن فعالیت خواهد داشت. من دراین سمفونی به فرازهای زندگی تختی مانند افتخاراتی که او در المپیک کسب کرد و همین‌طور دیگر دوران زندگی‌اش اشاره داشته‌ام. بخش‌هایی از این سمفونی هم به نامه‌های تختی اختصاص دارد که می‌تواند به‌شکل دکلمه و درقالب اپرا اجرا شود. اساس این سمفونی برپایه تراژدی بنا شده، شاید به این خاطر که اصولا زندگی و مرگ تختی از دید من یک تراژدی بوده است. ولی این‌که ارکسترسمفونیک تهران بتواند چنین اثری را اجرا کند یا نه، من نمی‌دانم. هرچند شنیده‌ام درماه‌های گذشته، سطح ارکسترسمفونیک تهران با آنچه قبلا بود متفاوت شده و ارتقا یافته است.

شما اخیرا اپرای «رستم و سهراب» را در ارمنستان اجرا کرده‌اید؛ آیا تصمیمی برای اجرای این کار در ایران هم دارید؟

نه؛ چون ما هنوز در کشور خودمان اپرا نداریم، در نتیجه نمی‌توانیم چنین آثاری را اجرا کنیم. این درحالی است که کشورهای دیگر به‌مراتب زودتر از ما در این زمینه کار کرده‌اند، ولی این ژانر از موسیقی سال‌هاست در جامعه ما مغفول واقع شده؛ البته ناگفته نماند که ۲۳ سال پیش، اپرای رستم‌وسهراب را به‌شکل کنسرت و نه درقالب صحنه‌ای، در تهران اجرا کردم، ولی بعدازآن، به‌دلیل این‌که اعضای ارکستر همگی از نوازندگان خارجی بودند و طبعا اسکان آنها هزینه‌بر بود، دیگر فرصت نشد تا این اثر اجرا شود. امیدوارم درسال‌های پیش روی زندگی‌ام و تا زمانی که زنده هستم بتوانم یک‌بار دیگر رستم و سهراب را در ایران اجرا کنم. اجرای اخیر این اثر در ارمنستان با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد و اطمینان دارم اگر این کار در ایران اجرا شود، مردم کشور خودمان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند، چون به‌هرحال ایرانیان ازگذشته تاامروز با شاهنامه انس بیشتری داشته‌اند.

در سال‌های اخیر، کفه اجراهای موسیقی پاپ سنگین‌تر بوده و ازاین رهگذر، موسیقی اصیل ایرانی و موسیقی کلاسیک در حاشیه قرار گرفته‌اند؛ به باور اهالی موسیقی، این مساله موجب شده تا سطح ذائقه شنیداری جامعه، به‌خصوص نسل جوان نازل شود؛ دیدگاه شما نسبت به این جریان چیست؟

موسیقی کلاسیک ازگذشته تاامروز در همه جای دنیا یک علم به شمار رفته. درحالی که موسیقی پاپ غالبا برپایه خوشگذرانی است و کاربردش مانند غذای روز می‌ماند که در بازه زمانی کوتاهی تاریخ مصرفش به پایان می‌رسد و دیگر برای بدن مفید نیست. درحالی که موسیقی کلاسیک ماندگار است. این روزها گرایش‌ها نسبت به فست‌فود بیشتر است. شاید بتوان گفت اساسا امروز هنر فست‌فودی شده است. از سوی دیگر، دولت‌ها هم کمتر حاضر می‌شوند برای ساخت و اجرای آثار فاخر هزینه کنند. شما در سؤالات پیشین خود به سرنوشت سمفونی تختی اشاره کردید؛ طبعا برای آن‌که چنین آثاری درمعرض دید مخاطب قراربگیرند باید از سوی دولت، مورد حمایت واقع شوند. چرا که اجرای آثاری مانند سمفونی تختی بدون داشتن اسپانسر ممکن نیست.

> **موسیقی کلاسیک ازگذشته تاامروز در همه جای دنیا یک علم به شمار رفته. درحالی که موسیقی پاپ غالبا برپایه خوشگذرانی است که در بازه زمانی کوتاهی تاریخ مصرفش به پایان می‌رسد**

این آسیب فقط به جامعه ما برمی‌گردد یا درهمه جای دنیا شرایط به این شکل است؟

نه درهمه جای دنیا همین است و موسیقی خوب، نقاشی و ادبیات خوب و... از مخاطبان معدودی برخوردارند، درنتیجه، مخاطبانی به سمت این هنرها می‌روند که قابلیت درک آن را داشته باشند. این روزها همه روزنامه می‌خوانند ولی کمتر کسی است که حافظ، شاهنامه و مولوی را مطالعه کند. منتهی کشورهای دیگر با ما از این منظر دارای یک تفاوت اساسی هستند؛ آنها قوه شنیداری افراد جامعه را از دوران کودکی نسبت به آثار باکیفیت تقویت می‌کنند. کمااین‌که کودکان، از دوره مدرسه باکنسرت، تئاتر، کتاب و اپرا مانوس شده و این آموزش از دوران کودکی در آنها نهادینه می‌شود. دولت‌ها هم درکشورهای دیگر باوجود آن‌که می‌دانند موسیقی کلاسیک مخاطب انبوهی ندارد ولی برای آن هزینه می‌کنند، چون می‌دانند موسیقی فاخر گنجینه و شناسنامه کشورشان است. از سوی دیگر، سال‌هاست در اروپا و آمریکا قانونی شکل گرفته که براساس آن، سرمایه‌گذاران و کارخانه‌دارانی که در ساخت سمفونی‌ها، قطعات و برگزاری کنسرت‌های ارکسترال مشارکت داشته باشند از مالیات معاف می‌شوند؛ در کشور ما متاسفانه هنوز این مساله جانیفتاده، درحالی که برای نگهداشت فرهنگ باید هزینه کرد.

باتوجه به این‌که مدتی است خارج از کشور به سرمی‌برید، چقدر در جریان روند فعالیت‌های ارکسترسمفونیک تهران قرار دارید؟

ارکسترسمفونیک تهران از سال‌ها قبل با مشکلات همیشگی روبه‌رو بوده و این‌طور که مطلعم این مشکلات همچنان تاامروز هم ادامه دارد. یکی از آنها این است که حقوق نوازندگان کافی نیست تا بتوانند به شکل متمرکز فقط در ارکسترسمفونیک تهران ساز بزنند و ناچارند برای امرار معاش به گروه‌های دیگر هم بپیوندند. نکته دیگر این‌که، ما در ارکسترسمفونیک تهران با سازهایی مواجه هستیم که عملا فرسوده شده و کارایی چندانی ندارند. مسلما ضرورت دارد که دست‌اندرکاران سازهای درجه یک تهیه کرده و دراختیار نوازندگان بگذارند؛ ساز درجه یک هم گران است و اگر می‌خواهیم صدادهی ارکستر در بهترین سطح ممکن باشد، باید از این سازها استفاده کنیم. واضح است زمانی که از ساز خوب، استفاده نشود صدای سازهای ارکستر هم خوب نخواهد بود، حتی تاجایی که می‌دانم درحال حاضر برخی از ویولن‌های ارکستر چینی است!

گفت‌وگوی ما درحالی صورت گرفته که طی روزهای اخیر وارد ۸۸ سالگی شده‌اید؛ دراین برهه از عمرتان چه آرزویی دارید؟

آرزو دارم سمفونی تختی را اجرا کنم یا شاید بهتر باشد بگویم آرزویم این است از بیماری و ناراحتی دور باشم و درزمان حیاتم شاهد اجرای کارهایم باشم.

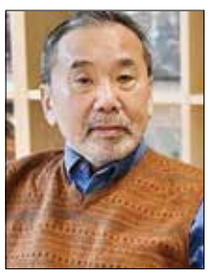
قاب



وحشت «نُه» در سینما آنلاین

فیلم ترسناک (اسلشر) «نُه» به نویسندگی و کارگردانی شاهین رشیدی، از سه‌شنبه ششم آبان ۱۴۰۴، ساعت ۲۰ در بخش «سینما آنلاین» پلتفرم فیلم‌نت اکران می‌شود. داستان فیلم که با حالتی معماگونه به حضور نازی‌ها در ایران طی جنگ جهانی دوم می‌پردازد، درباره عکاس مرموزی است که سالانه هشت جوان را به منطقه‌ای دورافتاده می‌برد تا آیینی را اجرا کند. این فیلم منتخب چند جشنواره بین‌المللی بوده و تماشای آن با بلیت ۱۰۰ هزار تومانی و بدون نیاز به اشتراک فیلم‌نت امکان‌پذیر است.

ادبیات



موراکامی و دیوارهای متعدد ترجمه

جدیدترین رمان هاروکی موراکامی، «شهر و دیوارهای بی‌ثباتش» با انتشار ترجمه‌های متعدد، بار دیگر رقابت ناشران ایرانی را بر سر آثار این نویسنده پرمخاطب ژاپنی داغ کرده است. به‌تازگی ترجمه امیرمهدی حقیقت از این اثر توسط نشر چشمه منتشر شده و به جمع چهار ترجمه دیگر ازجمله نسخه مهدی غبرایی با عنوان «شهر و دیوارهای دمدمی» (نشر نیلوفر) پیوسته است. این رمان که نسخه بازنگری‌شده داستانی از دهه ۱۹۸۰ است، مضامین آشنای موراکامی همچون بیگانگی، حافظه و سوررئالیسم را در قالبی پخته‌تر روایت می‌کند. داستان درباره قهرمانی بی‌نام است که وارد شهری مرموز با دیوارهای بلند می‌شود؛ سفری استعاری به اعماق روان، خاطرات سرکوب‌شده و جست‌وجوی معنا در انزوا و ارتباط. این اثر با کاوش در هویت و پذیرش گذشته، مراقبه‌ای عمیق در باب پرسش‌های وجودی است که هم برای طرفداران قدیمی و هم مخاطبان جدید موراکامی جذابیت دارد و اکنون خوانندگان فارسی‌زبان می‌توانند آن را با قلم مترجمان مختلف تجربه کنند.

تئاتر



عاشقانه «کازابلانکا» بر صحنه تئاتر تهران

نمایش «کازابلانکا»، اقتباسی از یکی از بزرگ‌ترین عاشقانه‌های تاریخ سینما، با اجرایی پرستاره در تالار حافظ روی صحنه رفت. این نمایش که به کارگردانی شیما محمدی و تهیه‌کنندگی مجید طاهریان‌فرد تولید شده، پس از ۸۰ سال از ساخت فیلم اصلی، برای نخستین‌بار در ایران زنده می‌شود. در این اثر، کامران تفتی و شیما محمدی نقش‌های ماندگار «ریک» و «ایلسا» را ایفا می‌کنند و بازیگرانی چون سینا رازانی، بهرام ابراهیمی و ایوب آقاخانی آنها را همراهی می‌کنند. متن نمایش توسط سهند خیرآبادی براساس نمایشنامه «همه به کافه ریک می‌آیند» تنظیم شده است. شب افتتاحیه این نمایش در اول آبان‌ماه، با جشن تولد ایوب آقاخانی، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده تئاتر، همراه شد. او در سخنانی کوتاه ابراز امیدواری کرد که همه هنرمندان تئاتر، روز تولدشان را روی صحنه جشن بگیرند. نمایش کازابلانکا به مدت یک ماه در تالار حافظ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.